

## ترامپ، دیده شدن و جامعه مدنی

منبع: سایت زیتون، روز پنج‌شنبه، مورخ: ۹۵/۱۱/۱۴

بالاخره روز بیستم ژانویه فردا رسید و دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا، سوگند یاد کرد و کار خود را از ده روز پیش آغاز کرد. چنانکه افتد و دانی، سیاست های مهاجرتی غیرعاقلانه ترامپ، در روزهای اخیر برای بخش قابل توجهی از شهروندان، مشکل زا و دردسر آفرین بوده است؛ جماعتی بلا تکلیف اند و نمی دانند با در دست داشتن ویزا و یا کارت اقامت دائم، می توانند به امریکا سفر کنند یا نه. دیروز در یکی برنامه های صبحگاهی «سی ان ان»، تحلیلگری توضیح می داد که طی ۱۰-۱۵ سال گذشته، به گواهی آمار، حداقل آسیب از سمت شهروندان ایرانی، عراقی، سوری، سومالیایی، یمنی... به مردم آمریکا رسیده و رد پای آنها در عموم حملات تروریستی دیده نمی شود. در مقابل، کشورهای پاکستان، عربستان و افغانستان، که شهروندان شان مسبب اکثر حملات تروریستی در خاک آمریکا بوده اند، در فهرست اعلام شده جایی ندارند. از اینرو میتوان چنین انگاشت که تصمیم اخذ شده، افزون بر مابینت آشکار با سیاست های مهاجرتی و حقوق بشری و دگر پذیری آمریکا، مبتنی بر نظر کارشناسان نبوده و سویه های پوپولیستی آشکار دارد.

هر چه پیش می آیم، مع الاسف، قرابت های شخصیتی ترامپ و احمدی نژاد بیشتر سر بر می آورد و هویدا می گردد: دست به دامان متافیزیک شدن برای مؤید نشان دادن خویش،<sup>۱</sup> دست بردن در آمار و اعداد و ارقام مطابق با میل خود،<sup>۲</sup> تصمیم های ضربتی و ناگهانی غیرعاقلانه، بی اعتنایی به نظر کارشناسان و متخصصان، اخراج و کنار گذاشتن کسانی که که با مشی و مرام رئیس جمهور، مخالفت می کنند و در پی اجرای قانون اند...

---

۱. در مراسمی که به مناسبت تحلیف، شب هنگام برگزار شد، ترامپ به اتفاق همسرش به روی صحنه آمد. وی پس از تشکر از طرفدارانش، به روز مهم و سرنوشت ساز ۲۰ ژانویه پرداخت و تاکید کرد که ما دوباره آمریکای بزرگی را خواهیم ساخت. آنچه در این میان تامل برانگیز بود، اشاره ترامپ به بارش باران در روز ۲۰ ژانویه، بین دو مراسم صبح و شب و تبیین این پدیده عادی و متعارف به سبک خویش بود. به روایت وی، بارش باران بر این امر دلالت می کرد که خداوند نیز نظاره گر ما در این واقعه و رویداد خوش و مبارک است. به میان کشیدن پای امور متافیزیکی و سوء استفاده از آن در مسائل سیاسی، سابقه ای طولانی دارد. برای ما که هشت سال دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد را تجربه و تحمل کردیم و سخنانی نظیر «دیدن هاله نور» و «اداره جلسه دانشگاه کلمبیا توسط امام زمان» را از او شنیدیم؛ سخن ترامپ، چندان غریب نمی نماید...

۲. تعداد بالای کسانی که در راهپیمایی های اعتراضی سراسر آمریکا در ده روز اخیر شرکت کردند، از بیدار بودن وجدان بخشی از جامعه آمریکا و حساسیت ورزی نسبت به امور حقوق بشری ای حکایت می کند که ترامپ در دوران مبارزاتی خود، بدانها آشکارا بی اعتنا بود؛ اعم از حقوق زنان، حقوق رنگین پوستان و حقوق اقلیت های دینی. مطابق با آمار، بیش از ۲,۵ میلیون نفر در سراسر آمریکا در تظاهرات های اعتراضی که به مناسبت روز تحلیف ترامپ، سامان یافته بود، شرکت کردند. جالب است، تعداد کسانی که در واشنگتن در این تظاهرات شرکت کردند، از تعداد کسانی که در مراسم تحلیف ترامپ حضور یافتند، بیشتر بود؛ هر چند تیم رسانه ای جدیداً مستقر شده در کاخ سفید، به سبک احمدی نژاد، به تحریف ما وقع پرداخت و تعداد شرکت کنندگان در این مراسم را بسی بیش از رقم عموم رسانه ها، اعلام کرد.

دانالد ترامپ و محمود احمدی نژاد، در زمره سیاست پیشگانی اند که از ساز و کار دموکراتیک استفاده می کنند و از نردبان انتخابات بالا می روند، اما در دل به کرامت انسانی و پاسداشت حقوق اقلیتهای قومی، نژادی و مذهبی باور ندارند. آنها شیفته «دیدن شدن» و «بحث برانگیز بودن» به هر قیمتی اند و متأسفانه برای تحقق این امر خط قرمزی ندارند؛ مهم نیست با ایشان موافق باشی یا مخالف؛ بلکه نفس جنجالی بودن و اذهان را معطوف به خود کردن، گزینه مطلوب و اختیارکردنی است. به نزد ایشان، مرکز توجهات قرار گرفتن تحت هر شرایطی؛ اعم از توجه مثبت و همدل بودن و یا توجه منفی و نقد شدن، خواستنی و برگزینی و لذت بخش است. شعار نانوشته این جماعت از این قرار است: « شهرت بد از بی شهرتی و گمنامی و دیده نشدن بهتر است»؛ که بیچاره کسی است که محل اعتنا و توجه قرار نمی گیرد. از اینرو، بر زبان آوردن سخنان غریب، دروغ گفتن، دستورات آنی و ضربتی صادر کردن و حملات مستقیم و در شکم رقیب رفتن، بخشی از کار و بار سیاسی ایشان است. همچنین، اقامه استدلال و سخن گفتن منطقی و موجه در قاموس این حضرات چندان جایی ندارد که «هدف وسیله را توجیه می کند»؛ به وقتش دوغ و دوشاب را به هم می آمیزند و حقه سوار می کنند و «مار و مار» می کشند و جهت کرسی نشانیدن سخن خود از ابزارهایی چون تسخر زدن و تهدید و ارباب استفاده میکنند. نحوه پیش کشیدن مباحث و سخن گفتن ترامپ طی مناظرات انتخاباتی ریاست جمهوری اخیر آمریکا، تداعی کننده سبک و سیاق مناظرات احمدی نژاد با میر حسین موسوی و مهدی کروبی در سال ۸۸ شمسی بود.

به تعبیر دوستی، مواجه شدن با پدیده احمدی نژاد پس اتمام دوران ریاست جمهوری خاتمی، همچنین سر و کله زدن با پدیده ترامپ پس از اتمام دوران ریاست جمهوری اوباما، مثل رفتن زیر دوش آب سرد پس از سونا بخار است. تو گویی با وضعیتی مواجه می شوی که در آن کثیری از مورد ر سپهر سیاست تغییر کرده؛ فرد موقرمعقولی که دغدغه های انسانی و اخلاقی پررنگ و اصیلی داشته، جای خود را به کسی داده که به هیچ صراطی مستقیم نیست و پروای حقوق بنیادین انسانهای گوشت و پوست و خوندار را ندارد و تنها در اندیشه پیشبرد اهداف خویش و راضی نگه داشتن طایفه و طرفدارانی است که گرد او جمع شده و مشوق اویند.

سرو کار داشتن با چنین شخصیت های نامتعادل و غریبی در عرصه سیاست، انصافا دل آزار و غم انگیز و رمانده است. به رغم بادهای ناموافقی که این روزها می وزد، از قضای روزگار، به سبب وجود جامعه مدنی قوی در آمریکا ( بر خلاف ایران)، امری که قدمتی طولانی دارد و قوام بخش ظهور جنبش های اجتماعی چندی در آمریکای قرن بیستم بوده است؛ می توان به آینده پیش رو، کم و بیش خوشبین و امیدوار بود. کنشگران مدنی می توانند متناسب با قدرت بسیج اجتماعی خود، مانع از تحقق سوداهایی شوند که ترامپ و حواریونش در سر

---

۱. Bad publicity is better than no publicity.

می‌پروراند. در این راستا، خوشبختانه، در روزهای گذشته، اجتماعات اعتراضی مدنی نیکویی در فرودگاه‌ها و شهرهای ایالت‌های مختلف آمریکا برگزار شد. می‌توان به تحرکات جامعه مدنی جوان، منسجم و پرنشاط کنونی دل‌خوش داشت و آینده‌ای بهتر را در افق سیاست آمریکا رصد کرد.